

بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی در نص و احادیث در رهگذر رابطه علم و دین

یوسف صادقی^{۱*}، حسین خنیفر^۲

۱. کارشناس ارشد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۲. استاد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۰)

چکیده

سرمایه اجتماعی منبعی است که ممکن است افراد، گروه‌ها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب آن را به کار گیرند، و مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیلگران اجتماعی برای توصیف طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی به کار گرفته می‌شود و به درک اینکه چرا برخی افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی به نتایج سیاسی، اقتصادی، یا اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دیگران نایل می‌شوند، کمک می‌کند. در زمینه شکل‌گیری و تکوین سرمایه اجتماعی، بررسی دین و فرهنگ دینی بیش از هر مورد دیگری لازم است. دین به عنوان نظامی ماورایی می‌تواند به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در جهانی که بار دیگر به نقش‌آفرینی دین در این عرصه اقرار کرده است، تأثیرگذار است. این مقاله در توجه به رابطه فلسفی دین و علم، به دنبال تبیین علمی و رهیافت عقلی - نقلی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی در نص و احادیث است.

کلیدواژگان

سرمایه اجتماعی، معرفت‌شناسی دینی، نص و احادیث، نظریه‌پردازی دینی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: youseff.sadeghii@gmail.com

مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی باید از طریق ارتباط با بستر فرهنگی و اجتماعی هر جامعه بررسی شود. با اینکه این مفاهیم عام هستند و تا حدی توافق عمومی درباره آنها وجود دارد، در هر فرهنگ و کشوری متناسب با فرهنگ، عرف و به‌ویژه آموزه‌های مذهبی آن کشور توجهی خاص را می‌طلبد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹).

تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی است، از جمله دین و فرهنگ دینی. به نظر می‌رسد دین به عنوان ارزش متعالی با کارکردهایی مانند انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی و چنین سازوکارهایی موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. به‌ویژه به دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه در جامعه کنونی ایران، رابطه دین و سرمایه اجتماعی نیز از منظر تأثیری که دین بر این فرایند دارد، مهم است. برخی محققان رابطه سرمایه اجتماعی را با اخلاق بررسی کرده‌اند و آن را با عنوان یک اصل اخلاقی در مقابل نفع شخصی قرار داده‌اند که موجب عام‌گرایی و احساس وظیفه، و رفتار غیرشخصی در رابطه با شبکه‌های اجتماعی می‌شود (Illingworth, 2012).

برخی دیگر از محققان رابطه مذهبی بودن با میزان شرکت در انواع گروه‌های داوطلبانه مذهبی و غیرمذهبی را بررسی کردند و نشان دادند مذهبی بودن باعث شرکت بیشتر در همه گروه‌های داوطلبانه می‌شود و خدا و مذهب عاملی مهم در شرکت بیشتر در این گروه‌ها است. همچنین، افراد شرکت‌کننده در گروه‌های داوطلبانه مذهبی سرمایه اجتماعی بیشتری به صورت شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای اجتماعی داشتند و از نظر اجتماعی فعال‌تر بودند (Yeung, 2004).

هدف نگارش این مقاله تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در دین اسلام از طریق بررسی نص و احادیث بر اساس شیوه علمی و مطالعات اسنادی و پیمایشی است. با توجه به اینکه مفهوم سرمایه اجتماعی در شکل حاضر مفهومی غربی است، سعی شده است از به‌کارگیری رویه‌ای ارزشی که می‌توانست محققان را به سمت کلی‌گویی ببرد، اجتناب شود. از این رو، محققان ابتدا با به‌کارگیری فراگیر تحقیقات موجود و مرتبط با موضوع و تعریف علمی عناوین سرمایه اجتماعی، دین و دینداری و کنکاش در ارتباط منطقی بین آنها، سعی کرده‌اند رهیافت عقلی و نقلی جدیدی

را ارائه کنند که از یک طرف نشان‌دهنده اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی و از طرف دیگر اثبات ماهیت متفاوت این مفهوم در دین اسلام باشد.

رابطه فلسفی علم و دین

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مباحث مطرح در میان متفکران و روشنفکران دینی بحث از سنخ و ماهیت گزاره‌های دینی است. گواه اهمیت این مسئله و لزوم توجه به آن از سوی عالمان دینی، خاصه آنان که داعیه ساختن و بنیان‌نهادن معرفت‌های دینی و علوم انسانی اسلامی را دارند، است. واضح است معضل یادشده در تصمیم‌گیری ما در باره چیستی علم دینی و امکان و اثبات آن یا عدم امکان و اثبات آن تأثیر و نقش بسیاری دارد. به‌ویژه آنکه علم دینی مورد نظر مراکزمانند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، علمی واقع‌گرا و غیرنسبی است. طبیعی‌ترین دیدگاهی که در زمینه علم دینی و چگونگی دستیابی به آن مطرح است، دیدگاهی روشمند است که در استنباط معارف دینی، رایج و متداول است. به‌کارگیری این روش در مقام استنباط علوم انسانی اسلامی نیازمند تبیین برخی مسائل است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- تعریف گزاره علمی و قواعد منطقی حاکم بر آن؛
- تعریف گزاره دینی و قواعد حاکم بر آن؛
- کشف، استخراج و استنباط گزاره‌های علمی از منابع شرعی و متون دینی؛
- رابطه بین گزاره‌های علمی و گزاره‌های دینی.

این مقاله جهت تبیین مؤلفه‌های اسلامی سرمایه اجتماعی از قواعد یادشده پیروی می‌کند و جریان منظم یادشده را جهت بنای بحث بر روش علمی به‌کار می‌گیرد.

تعریف سرمایه اجتماعی

برخلاف تاریخچه موجود اصطلاح سرمایه اجتماعی، تفکر و اندیشه سرمایه اجتماعی بسیار

قدیمی تر از کاربرد اولیه این اصطلاح در اوایل قرن بیستم است. آندریانی^۱ (۲۰۱۳) معتقد است که آدام اسمیت^۲ پیش تر با تأکید بر اهمیت چگالی شبکه‌ها و انجمن‌های تجاری به عنوان کانال‌های اصلی انتقال شهرت و اعتمادپذیری در راستای منافع فردی، به شکلی بر نقش پیوندهای اجتماعی صحنه گذاشته است (پاک‌سرشت، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

سرمایه اجتماعی از طریق هنجارهایی تولید می‌شود که شامل سجایایی مانند صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه‌اند (Fukuyama, 1991, p.11). سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه است که سبب تسهیل در دسترسی به اطلاعات و منابع حیاتی به منظور ارتقای عملکرد و استفاده مناسب از فرصت‌های محیطی می‌شود (Johanson et al., 2013).

جاکوب^۳ سرمایه اجتماعی را در قالب شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کند که کارکردهایی در جامعه دارند و غیرقابل جایگزینی‌اند. این کارکردها می‌تواند سبب توسعه اقتصادی در جوامع شود. پاتنام^۴ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. از نظر برت، سرمایه اجتماعی داشتن دوستان، همراهان و ارتباطات عمومی است که به فرد فرصت می‌دهد سرمایه مالی و انسانی خود را به کار گیرد (Alguezai & Filieri, 2010).

رویکردهای نظری سرمایه اجتماعی

رویکرد اجتماع‌گرایی: طرفداران رویکرد اجتماع‌گرایی، سرمایه اجتماعی را امکانی ساختاری برای تسهیل عمل جمعی قلمداد می‌کنند. پاتنام یکی از جدی‌ترین مدافعان این دیدگاه بیان می‌کند ایجاد و رشد سرمایه اجتماعی ممکن است در نتیجه یک بحران ملی ملموس مانند جنگ یا فاجعه طبیعی تسهیل شود (فیلد، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵).

1. Andreani
2. Adam Smith
3. Jacob
4. Putnam
5. Field

رویکرد شبکه‌ای: در رویکرد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی، کالایی فردی است و به سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و در اختیار قرار گرفتن منابع موجود در این روابط برای کسب بازده و سود مورد انتظار اطلاق می‌شود (باستانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۶). این دیدگاه بر به‌کارگیری سرمایه اجتماعی به وسیله افراد و اینکه افراد چگونه به منابع جای گرفته در شبکه‌ها دست می‌یابند و از آن برای به‌دست آوردن سود و بازده استفاده می‌کنند، تمرکز کرده است (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶).

رویکرد نهادی: این رویکرد بیان می‌کند دولت‌ها از طریق برجسته کردن نقش و کیفیت نهادهای نظارتی، عملکرد نخبگان سیاسی و ماهیت انتظاراتی که از شهروندان دارند بر امکان رشد سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارند. کوتاه‌سخن اینکه در این رویکرد، وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه تابع ظرفیت دولت و نهادهای دولتی برای جلب اعتماد شهروندان و فراهم کردن فضای فعالیت آزادانه نهادهای جامع مدنی و عملکرد مؤثر در راستای منافع عمومی جامعه است (فاضلی و اشتیاقی، ۱۳۹۱).

رویکرد هم‌افزایی: این رویکرد تلاش می‌کند توصیه‌های دو دیدگاه شبکه و نهادی را برای بهبود سرمایه اجتماعی ترکیب کند. ظرفیت جامعه برای کنش جمعی و عملکرد دولت، دو عنصر و مؤلفه اصلی این رویکرد برای توضیح نقش احتمالی سرمایه اجتماعی در توسعه محسوب می‌شود. در جوامعی که حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی بین‌گروهی دارند، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و موفقیت اقتصادی و نظم اجتماعی محتمل الوقوع است. بنابراین، چالش تولید سرمایه اجتماعی به الگوی تعریف ارتباط بین نهادهای رسمی و گروه‌های اجتماعی مربوط است (وولکاک و نارایان^۱، ۱۳۸۹، ص ۵۵۰).

رویکرد نظری اسلام به روابط اجتماعی (فرد - جامعه - دولت)

علامه طباطبایی به قدرت بیشتر جامعه در برابر فرد اعتقاد دارد و بر آن است که در صورتی که جامعه اصلاح نشود، تربیت اجتماعی یا اصلاً مؤثر نیست یا تأثیر بسیار کمی دارد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۳). ایشان معتقد است ویژگی‌های جامعه با مجموع ویژگی‌های تک‌تک اعضای آن مطابق است و علاوه بر آن جامعه ویژگی‌های خاصی دارد که هیچ‌یک از افراد به‌تنهایی واجد آن نیست. از طرفی، ممکن است ویژگی‌هایی خاص داشته باشد که با ویژگی‌ها و وضعیت کلی جامعه فرق دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۶۹۹). اما چون همواره کل از جزء قوی‌تر است، اراده فرد نمی‌تواند با اراده جمعیت معارضه کند. اگر جامعه بخواهد امری را تحقق بخشد، فرد نیز ناچار است تابع آن شود و هر پیشامدی را که در نتیجه تحقق آن امر به وجود آمد تحمل کند؛ حتی گاه اراده جامعه آنقدر قوی است که اراده و شعور فرد را سلب می‌کند. به این ترتیب، سعادت و شقاوت انسان به عنوان جزئی از جامعه در گرو سعادت و شقاوت کل جامعه است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۴-۱۵۰). در نتیجه، می‌توان گفت اسلام به قدرت و تأثیر بیشتر جامعه بر فرد تا فرد بر جامعه معتقد است.

امیرالمؤمنین علی (ع) به ارتباط جامعه و دولتمردان نیز اشاره می‌کند و رابطه این دو را متقابل و دوجانبه می‌داند. حضرت در خطبه ۲۱۶ در این زمینه می‌فرماید: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ»؛ رعیت (جامعه) اصلاح نمی‌شود مگر به صالح بودن زمامداران و زمامداران نیز صالح نمی‌شوند، مگر اینکه مردم استقامت داشته باشند. پیامبر اکرم (ص) نیز در تأثیر متقابل جامعه و دولت می‌فرماید: «كَمَا تَكُونُوا يَوْلَى عَلَيْكُمْ»؛ هر طور باشید، همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود (نهج‌الفصاحه، ص ۶۱۶، ح ۲۱۸۲).

البته امیرالمؤمنین علی (ع) به تأثیرگذاری دولت و دولتمردان بر جامعه و افراد اشاره کرده است و قدرت نهادی دولت را بیشتر از قدرت جامعه می‌داند. حضرت می‌فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ مردم به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان (تحف‌العقول، ص ۲۰۸). این حدیث تأثیر گفتار و کردار مسئولان حکومتی را در فرهنگ‌سازی و تربیت اجتماعی حتی بیشتر از

خانواده می‌داند. سهل الوصول بودن دسترسی به رفتارها، ارزش‌ها و سبک زندگی مسئولان دولتی در جامعه امروزی و دخالت بیشتر دولت‌ها در امور روزمره زندگی مردم، تأثیر نقش دولتمردان را در جامعه دوچندان کرده است. نتیجه آنکه اسلام تأثیر جامعه را در تربیت فرد بیشتر می‌داند و از طرفی دولت و جامعه را دارای ارتباطی متقابل می‌داند و از این جهت، رویکرد نظری اسلام در تشکیل سرمایه اجتماعی جامعه را می‌توان رویکرد هم‌افزایی دانست.

ابعاد سرمایه اجتماعی

با جمع‌بندی و الهام‌گرفتن از مدل‌های بیان‌شده در این نوشتار، مدلی به کار گرفته می‌شود که در محدوده توصیفی این تحقیق در سطح ارتباط جامعه و دولت بتواند کاربردی باشد.

جدول ۱. نظریه‌های مختلف درباره ابعاد سرمایه اجتماعی

نظریه پرداز	سال طرح	توضیحات
لینا وان بورن	۱۹۹۹	۱. وابستگی: تمایل و توانایی تبعیت اهداف فردی از اهداف جمعی؛ ۲. اعتماد: مقدمه‌ای بر واکنش جمعی موفقیت‌آمیز.
ناهایت وگوشال	۱۹۹۸	۱. بعد ساختاری: الگوی کلی و میزان ارتباط افراد با یکدیگر در سازمان؛ ۲. بعد ارتباطی: ماهیت و کیفیت ارتباطات؛ ۳. بعد شناختی: زبان، کدها و روایت‌های مشترک؛ میزان اشتراک کارکنان درون یک شبکه اجتماعی.
بورديو	۱۹۸۰	۱. اندازه گروه یا شبکه؛ ۲. حجم سرمایه‌ای که هر یک از اعضای شبکه دارای آن هستند.
گروه کندی	۲۰۰۴	۱. اعتماد؛ ۲. مشارکت سیاسی (عادی و نقادانه)؛ ۳. مشارکت و رهبری مدنی (مشارکت در گروه‌ها و انجمن‌ها و جز آن)؛ ۴. پیوندهای اجتماعی غیررسمی؛ ۵. بخشش و روحیه داوطلبی؛ ۶. عدالت در مشارکت مدنی؛ ۷. مشارکت مذهبی؛ ۸. تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها.
لاک لی	۲۰۰۵	۱. شبکه‌های ساختاری: فضایی، رابطه‌ای، رسمی، غیررسمی؛ ۲. کیفیت: روابط متقابل؛ اعتماد (نهادی و اجتماعی).

- در این مقاله از مدل ناهاپیت و گوشال^۱ (۱۹۹۸) که به مدل CRS معروف است، برای تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بهره گرفته‌ایم. مؤلفه‌های این مدل به‌طور مختصر عبارت‌اند از:
۱. **مؤلفه ساختاری:** این بعد سرمایه اجتماعی به الگوی کلی تماس‌های بین افراد اشاره می‌کند. این بعد سعی در شناخت ارتباطات کلی و الگوی دسترسی افراد به یکدیگر دارد. بعد ساختاری بستری را فراهم می‌کند که سرمایه اجتماعی بتواند ظهور پیدا کند و بقیه ابعاد سرمایه اجتماعی در این بستر جای گیرد (هرندی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵).
 ۲. **مؤلفه شناختی:** این بعد به منابعی اشاره می‌کند که فراهم‌کننده مظاهر، تعبیرها و تفسیرهای مشترک در میان گروه‌هاست. سرمایه شناختی بازتابی از میزان تعهد و دفاع اعضای جامعه از هدف و رسالت خود است (هرندی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶).
 ۳. **مؤلفه ارتباطی:** این بعد بر ارتباط میان افراد تأکید می‌کند. در ارتباط متقابل میان انسان‌ها شبکه به وجود می‌آید و این شبکه حامل سرمایه اجتماعی است. اعتماد، هنجارها، هویت، الزامات و انتظارات نقش از مهم‌ترین جنبه‌های این بعد است (Wickramasinghe & Weliwitigoda, 2011).

منابع سرمایه اجتماعی

- سرمایه اجتماعی به عنوان رابطه بین کنشگران انسانی دارای منابع متعددی است که از نظر فوکویاما یکی از معتبرترین صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶):
۱. **نهادی:** از طریق قوانین و نظام‌های قانونی؛
 ۲. **خودجوش:** که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آید.
 ۳. **برون‌زاد:** منظور از آن سرچشمه هنجارها غیر از همان اجتماعی است که در آن به کار گرفته می‌شود و در این میان نقش دین، ایدئولوژی و فرهنگ بسیار برجسته است. در این جهت

1. Nahapiet & Ghoshal

و بر نیز به تأثیر دین در ایجاد شبکه‌های اعتماد که وجود آن‌ها برای روابط تجاری و اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند.

۴. طبیعت: که بیشترین تأکید آن بر اهمیت نظام خویشاوندی است.

تأثیر دین بر سرمایه اجتماعی

ادیان مختلف آثاری متفاوت بر سرمایه اجتماعی پیروان خود داشتند. برخی تحقیقات نشان داده است مسیحیت در کره جنوبی بر مشارکت مدنی پیروان تأثیر گذاشته است و در حالی که بودیسم قادر به تأثیر این چنینی نبوده است. درباره اعتماد هیچ یک از ادیان مسیحیت کاتولیکسم و بودیسم تأثیری بر اعتماد بین شخص نداشته‌اند. اعتماد تعمیم یافته در نظر جیانگ، این قاعده طلایی است که نسبت به دیگران طوری رفتار کن که مایلی با تو رفتار شود (Jeon, 2010).

ادیان فراهم کننده مهارت‌های مدنی، هنجارهای مدنی، علایق اجتماعی، حل اختلافات، مشارکت مدنی از طریق کمک به مردم برای یادگیری مصاحبت با دیگران، برگزاری جلسات و احساس مسئولیت می‌باشند. پیروان ادیان معمولاً با مردمی که به اجتماعات می‌پیوندند و به فعالیت محلی می‌پردازند، رفتار دوستانه دارند (Putnam, 2000). اجتماعات مذهبی از طریق وادار کردن مردم به پرداخت صدقات و فعالیت‌های داوطلبانه سرمایه اجتماعی می‌آفرینند. بنابراین، مذهب با القای باور هدایت به وسیله نیروی الهی انگیزه فداکاری ایجاد می‌کند (Wald, 2003) و با تأکید بر همنوایی و همبستگی به جای فردگرایی و نفع شخصی باعث رشد سرمایه اجتماعی می‌شوند (Jeon, 2010). ایوانز^۱ نیز بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (ایوانز و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵-۱۶۲).

تعریف عملیاتی دینداری

دین مفهومی کلی، و دینداری مفهومی مصداقی و جلوه‌ای از دین است. کنت به ابعاد سه‌گانه دین یعنی عقاید، عواطف و عمل بر حسب ابعاد سه‌گانه وجودی انسان اشاره کرده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۹). دورکیم^۱ دین را نظامی مشترک و الزام‌آور از اعتقادات و اعمال می‌داند که به امور مقدس مربوط می‌شود و همه پیروان خود را در یک نظام اخلاقی گرد هم می‌آورد (گیدنز^۲، ۱۳۸۴، ص ۵۰۴). ماکس وبر دین را نوعی خاص از رفتار در یک زندگی اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید شرایط و نیز آثار آن را مطالعه و بررسی کرد (ویلیم^۳، ۱۳۷۷، ص ۲۹).

در این مقاله تعریف گلاک و استارک برای تعریف علمی دینداری به کار گرفته شده است. این دو معتقدند با وجود تفاوت‌های ادیان، می‌توان وجوه مشترکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارت‌اند از (افشانی، ۱۳۸۰، ص ۷۹):

۱. **بعد اعتقادی یا باور دینی:** عبارت است از ایده‌ها و نگرش‌هایی که انتظار می‌رود پیروان

دینی خاص معتقد به آن باشند، مانند اعتقاد به خدا، بهشت و جز آن.

۲. **بعد مناسکی:** اعمالی که در یک دین باید به جا آورده شود مانند نماز و روزه در دین اسلام.

۳. **بعد عاطفی یا تجربی:** این بعد شامل عواطف و احساس پیروان یک دین است که در ارتباط با وجود خدا یا یک هستی برتر و مقتدر تعریف می‌شود.

۴. **بعد فکری یا دانش دینی:** بیان اطلاعات در سطح عام‌تر درباره اعتقادات دینی است.

۵. **بعد پیامدی یا آثار دینی:** تأثیر دین در اعمال و رفتارهای روزمره زندگی بشری است.

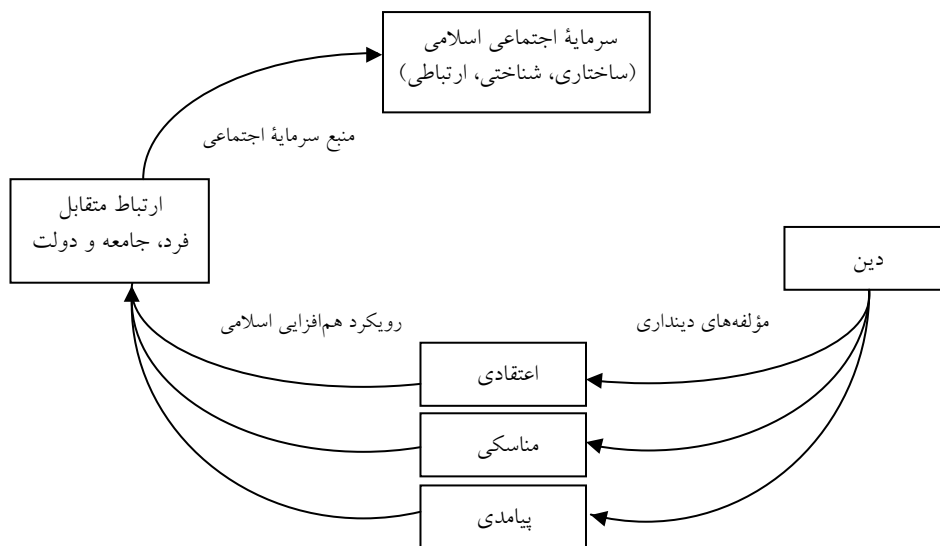
با توجه به اینکه بعد فکری یا دانش دینی قابل تلفیق در بعد اعتقادی، و بعد عاطفی را می‌توان

1. Durkheim
2. Giddens
3. Willem

در بعد پیامدی در نظر گرفت، در این پژوهش سه بعد اعتقادی، مناسکی (عبادی) و پیامدی به کار گرفته شده است.

روش تحقیق و مدل مفهومی پژوهش

نتایج بحث تا اینجا روشن کرد که دین می‌تواند از منابع ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی باشد. مبانی علمی نیز در جهت اشتراک ادیان مختلف بیان شد و این اشتراک در سه بعد اعتقادی، مناسکی و پیامدی تبیین شد. رویکرد اسلام به روابط اجتماعی نیز رویکرد هم‌افزایی یعنی نقش متقابل دولت و جامعه تشخیص داده شد. همچنین، مدلی که از منابع علمی برای معرفی سرمایه اجتماعی انتخاب شد، مدل CRS و سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی دارد. بر اساس مطالب یادشده می‌توان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی را در مدل مفهومی شکل ۱ جست‌وجو کرد. با توجه به این مدل و برای طبقه‌بندی بحث، مؤلفه‌های ساختاری، شناختی و ارتباطی سرمایه اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های دینداری با مدنظرگرفتن ارتباط فرد و جامعه با دولت جداگانه بررسی می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

محقق با به‌کارگیری مدل شکل ۱ و روش مطالعه اسنادی و پیمایشی سعی کرده است رهیافتی را بیان کند که در آن دین به عنوان دستورات عملی کثیرالاجزا و جامع در بخش‌های کوچکتری تقسیم و در این بخش‌ها، با رجوع به مهم‌ترین متن دینی یعنی قرآن، سپس، نهج البلاغه و احادیث، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی را تبیین کند. در این رهیافت جهت استحکام علمی بحث و معرفت‌شناسی برون‌دینی، نظر محققان غربی در جهت بخش عقلی و تأثیر دین در سرمایه اجتماعی به‌کار گرفته شده است.

بعد ساختاری سرمایه اجتماعی اسلامی

در اسلام مؤلفه‌های اعتقادی، مناسکی و پیامدی وجود دارند که بستر سرمایه اجتماعی هستند. این بستر ایجاد سرمایه اجتماعی نیز توسط جامعه و دولت می‌تواند شکل بگیرد و هر دو نهاد یکدیگر را تکمیل کنند.

مؤلفه اعتقادی

مشارکت و انسجام اجتماعی: شاید مهم‌ترین عنصری باشد که بستر همبستگی اجتماعی اسلامی را بر اساس کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه فراهم می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «الزُّمُّوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» و در آن بر مسلمانان حضور در اجتماعات بزرگ واجب شده است، و لطف و امداد الهی را با جماعت دانسته است. همچنین، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران درباره اعتقاد به اجتماع و اجتناب از تفرقه، می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا». البته این وحدت و عدم تفرقه در حول محور الهی دانسته شده است و به واسطه نعمت الهی مسلمانان برادرند. تشکیل هیئت مذهبی به مناسبت سوگواری‌های ائمه به خصوص ایام عاشورا و تاسوعا و تشکیل اجتماعات حول محور ولایت اهل بیت (ع) از مصادیق بارز این آیه است. البته شأن نزول آیه این بود که در دوران جاهلیت دو قبیله بزرگ در مدینه به نام «اوس» و «خزرج» وجود داشتند که بیش از یکصد سال جنگ و خون‌ریزی و اختلاف در میان آن دو جریان داشت. این آیات در

این زمینه نازل شد و به صورت حکمی عمومی همه مسلمانان را با بیان مؤثر و مؤکدی به اتحاد دعوت کرد.

مؤلفه مناسکی

بسیاری از عبادات اسلامی جمعی است، یا در عین فراد بودن، به انجام دادن جمعی آن‌ها دستور اکید داده شده است و زمینه را برای ساخت اجتماعات بزرگ و کوچک فراهم کرده است.

نماز جماعت: در رأس عبادات و ستون دین و وسیله عروج و تقرب مؤمن و کلید بهشت و چراغ قبر و بازدارنده از فحشا و منکر است. اگر چه نماز برای سهولت به صورت فرادا جایز شمرده شده است، اصل بر جماعت آن است و گر چه همه زمین سجده‌گاه و پاک قرار داده شده است، فضیلت نماز جماعت و در مسجد چنان عظیم شمرده شده است که اعجاب‌برانگیز است و قطعاً خیر کثیر در آن نهفته است. عبادات جمعی سبب شکوفایی فرهنگی دینی در جامعه می‌شود و ساختن اجتماعی سالم و نزدیکی دل‌های مسلمانان را با دوشادوش قرار دادن برادران دینی سهل‌تر می‌کند. پیامبر (ص) درباره نماز جماعت می‌فرماید: «فَإِنْ زَادُوا عَلَيَّ الْعَشْرَةَ فَلَوْ صَارَتْ بِحَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّهَا مِدَادًا وَالْأَشْجَارُ أَقْلَامًا وَالثَّقَلَانِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ كُتَابًا لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَكْتُبُوا ثَوَابَ رُكْعَةٍ وَاحِدَةٍ»؛ اگر بیش از ده نفر شدند، اگر دریاها آسمان و زمین مرکب و جن و انس و فرشتگان نویسنده شوند، نخواهند توانست ثواب یک رکعت آن را بنویسند (بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۵).

نماز جمعه: حکومت اسلامی با برقراری نماز جمعه که فلسفه سیاسی، اجتماعی و آگاهی‌بخش دارد، در ایجاد بستر رشد سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است. اهمیت نماز جمعه در قرآن نیز بیان شده است، آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه / ۹). حکومت می‌تواند مسائل روز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را هر هفته برای افراد یک جامعه به‌طور رودررو و با استفاده از غنای بالای رسانه‌ای منابع نماز جمعه بازگو کرده و از این طریق به ارتباط متقابل جامعه و حکومت و نزدیکی این دو نهاد مؤثر در رشد سرمایه اجتماعی کمک کند.

حج: امیرالمؤمنین می فرماید: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱). یعنی همان طوری که پرچم‌ها رمز اتحاد و یگانگی جمعیت‌ها و نشانه همبستگی آنهاست و برپا بودن آن علامت حیات آنهاست، کعبه برای اسلام چنین است. در حدیث دیگری وارد شده است: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ مادام که کعبه به‌پاست، اسلام به‌پاست. می‌توان گفت مادام که حج زنده و باقی است، اسلام زنده و باقی است. کعبه پرچم مقدس اسلام و یکی از رموز وحدت مسلمین است. هر سه مورد یادشده از عبادت‌هایی است که ایجاد اجتماعات کوچک و بزرگ اسلامی را با خود دارد.

مؤلفه پیامدی

این مؤلفه شامل مواردی است که با پذیرفتن اصول اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی بروز خواهد کرد و رشد سرمایه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

اخوت: برادری مسلمانان موسع‌ترین نظام اسلامی است که پیامد قبول دین اسلام است و موجبات ایجاد سرمایه اجتماعی را در سایه برادری مسلمانان فراهم می‌کند. مسلمانان بر اساس آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹)، باید رحمانی‌ترین رفتار را با برادران هم‌کیش خود داشته باشند. از جهت مدارا کردن و رحمت با برادران دینی احادیث زیادی وارد شده است. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَقُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۸). یا اینکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يَجِبُ الرَّفْقَ وَ يَعْينُ عَلَيْهِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۷۱).

بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی اسلامی

مؤلفه ارتباطی موجب ارتباط میان افراد می‌شود و ارتباط میان افراد را گسترش می‌دهد. هرچه مؤلفه ارتباطی تقویت شود، افراد بیشتری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و شبکه اجتماعی ارتباطات میان افراد را گسترده‌تر کند (کوهکن، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷). مهم‌ترین جنبه‌های بعد ارتباطی، اعتماد و هنجارهای سازنده اعتماد میان اعضای جامعه است.

مؤلفه اعتقادی

دین مبین اسلام برای ایجاد اعتماد بین افراد جامعه و ساختن ارتباطی مناسب متقابل بین افراد جامعه از یک طرف، و بین جامعه و دولت اهمیت زیادی قائل شده است.

پرهیز از بدگمانی: اگر در مقابل اعتماد، واژه بدگمانی را در نظر بگیریم، در قرآن کریم و احادیث، اجتناب از سوءظن بسیار تأکید شده است. قرآن درباره اجتناب از بسیاری از سوءظن‌ها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ (حجرات/ ۱۲). امیرالمؤمنین علی (ع) در حکمت ۱۰۵۱ غرورالحکم بدگمانی را مساوی بی‌دینی می‌داند و در جایی دیگر، بدترین مردم را کسی می‌داند که به هیچ کس اعتمادی ندارد: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقُ بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَلَا يَتَّقُ بِهِ أَحَدًا لِسُوءِ فِعْلِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۰).

اعتمادسازی حکومتی: کسب اعتماد مردم و خوشبینی به جامعه از مسلمات و الزامات حکومت‌داری در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) محسوب شده است. حضرت در اهمیت اعتماد و خوشبینی مردم به حاکم در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می‌فرماید: «فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرَعِيَّتِكَ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا...» در راه جلب اعتماد مردم آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی که این خوشبینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد. در فرازی دیگر از این نامه نیز بیان می‌کند: «وَإِنْ ظَنَّتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَأُصْحِرْ لَهُمْ بَعْدَ رَيْكَ وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ...»؛ و هرگاه رعیت به تو بدگمان شود، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده. این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش‌خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد.

مؤلفه مناسکی

عبادات اقتصادی با موضوع کمک به دیگران در دین مبین اسلام وجود دارد که می‌تواند اعتماد را در بین افراد جامعه ساری و جاری کند.

قرض الحسنه: قرض الحسنه سنت اسلام است که اقتصاد را در خدمت عقیده می‌گیرد. قرض الحسنه، تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجویی‌های اقتصادی است. آیات زیادی درباره قرض دادن به دیگران در قرآن بیان شده است، تا جایی که در آنها قرض‌گیرنده خداوند معرفی شده است و بدین وسیله از مسلمانان خواسته شده است به خداوند قرض دهند: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید / ۱۱)؛ «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» (تغابن / ۱۷)؛ «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره / ۲۴۵). البته آیات دیگری مانند (آل عمران / ۲۴۵)، (مزمّل / ۲۰) و (مائده / ۱۲) نیز به مسئله قرض الحسنه اشاره کرده‌اند که نشان از اهمیت آن دارد. حکومت اسلامی نیز با در نظر گرفتن اهمیت این اصل اقتصادی اسلامی می‌تواند به وظیفه خود جهت رشد سرمایه اجتماعی در جامعه عمل کند.

انفاق: انفاق نیز یکی از عبادات اقتصادی مهم اسلامی در جهت توسعه متوازن جامعه است و در ایجاد حس همدلی و اعتماد بین مسلمانان به‌ویژه قشر نیازمند و طبقه ثروتمند تأثیر زیادی دارد. آیات متعددی از قرآن کریم و حکمت‌های زیادی از نهج البلاغه و غررالحکم به موضوع انفاق پرداخته است. این موضوع در سومین آیه سوره بقره در ابتدایی که قرآن کریم خصوصیت‌های افراد هدایت‌شده را توضیح می‌دهد، آمده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره / ۲). آیات متعدد دیگری مانند (بقره / ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵ و ۱۷۷)، (نساء / ۴۳) و (انفال / ۳، ۳۷، ۶۲ و ۶۵) به موضوع انفاق پرداخته است. اسلام می‌خواهد همه شئون زندگی جامعه را طوری منظم و مرتب کند که ضامن سعادت دنیا و آخرت باشد و به‌واسطه آن انسان با معارف الهی و اخلاقی انسانی، در یک زندگی پاکیزه دور از رذایل اخلاقی زیست کند. این جز با یک زندگی خوشی که از نظر آسایش، صفا و صمیمیت در همه افراد جامعه مشابه باشد، میسر نمی‌شود و چنین زندگی جز با اصلاح حال همگان و رفع نیازمندی‌های زندگی ایشان، امکان‌پذیر نیست و راهش این است که افراد جامعه، از آنچه دارند در

راه پرکردن خلأهای اجتماعی که همان نیازمندی‌های طبقه محروم است، صرف کنند. در قرآن خداوند با مضامین گوناگون توانگران را به انفاق و بخشش سوق داده و بدین وسیله اهمیت آن را بیان کرده است؛ «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/ ۱۹۵). «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَّا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی کردیم انفاق کنید! پیش از آنکه روزی بیاید که نه کسی برای گشایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید و کافران، همان ستمگراند (بقره/ ۲۵۷).

زکات: از مصادیق بارز صدقات است که به عنوان پشتوانه مالی برنامه‌های اجتماعی، در اصلاح ساختار جامعه و تطهیر زندگی، تزکیه نفوس و تألیف قلوب مردم، نقشی بسزا دارد. کثرت تعابیر بلند و عبرت‌آموز از قبیل بلاگردان فرد و جامعه، زمینه‌ساز نزول رحمت و برکت، عامل توسعه عمر و گسترش زندگی، تجارت مستقیم با خداوند، ذکر عملی و جز آن، که در زبان آیات و روایات، عمق باور مؤمنان و عرف جامعه، در شأن این واجب الهی، جاری و ساری است، از جایگاه ویژه این عبادت اجتماعی و ضرورت اهتمام به آن خبر می‌دهد. شاید بتوان مهم‌ترین دلیلی که قرآن زکات را بعد از نماز مایه برادری مسلمانان دانست این آیه قرآن کریم باشد که می‌فرماید: «إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُنْكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»؛ پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند در این صورت برادران دینی شما می‌باشند و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم (توبه/ ۱۱).

مؤلفه پیامدی

هنجارهای بسیاری در روزمره زندگی فردی و زندگی اجتماعی ناشی از قبول دین اسلام است که می‌تواند در ساختن و رشد بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی و مؤلفه اصلی آن یعنی اعتماد متقابل بین افراد مؤثر باشد. برخی از این هنجارها ایجابی، و برخی سلبی و جزء محرمات دین مبین هستند.

مؤلفه‌های ایجابی

صله رحم: از کارهای بسیار نیک و اعمال پسندیده که حضرت حق و انبیا و امامان نسبت به آن اصرار کرده‌اند، صله رحم است. اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را به شدت مورد تأکید و توجه قرار داده است و صله رحم و رسیدگی به بستگان را به عنوان ارزشی الهی واجب کرده است و خدای متعال آن را در ردیف پرستش خویش قرار داده است و می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ»؛ خدا را پرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشان نیکی کنی (نساء/ ۳۶).

امیرمؤمنان علی (ع) نیز به فرزندش سفارش می‌کند: «أَكْرَمَ عَشِيرَتِكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ»؛ خویشانت را گرامی بدار، زیرا آنان بال و پر تو هستند که با آنان پرواز می‌کنی و اصل و ریشه تو می‌باشند که به ایشان باز می‌گردد و دست (یاور) تو هستند که با آنها (به دشمن) حمله می‌کنی (و پیروز می‌شوی) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این همه تأکید و سفارش نسبت به صله رحم در قرآن و احادیث، بیان‌کننده ضرورت و نقش حیاتی آن است. در منابع فقهی ما نیز چنین آمده است: صله رحم مطلقاً واجب است هر چند که خویشاوندان انسان مرتد یا کافر باشند (استفتات از محضر امام خمینی، ج ۱، ص ۴۸۷).

ایثار: ایثار می‌تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد. گاه با فداکردن جان انجام می‌گیرد و گاه با دادن مال. زمانی هم با هزینه‌کردن اعتبار و آبرو و البته برخی اوقات هم می‌تواند ترکیبی از اینها باشد که فرد به‌طور ارادی و به‌دلیل یک هدف و آرمان مقدس و والا، تصمیم بگیرد از علایق و داشته‌های خویش اغماض کرده و دغدغه‌ها و دلنگرانی‌ها و منافع غیر را بر خود مرجح بداند و در راه برطرف کردن مشکلات فراروی دیگری گام بردارد. شاید مهم‌ترین مصداق ایثار در قرآن، آیه‌ای است که به آنچه در خانه امیرالمؤمنین گذشت، می‌پردازد: «و يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا» (انسان/ ۲۲). در آیه دیگری خداوند از وجود تجارتهی همیشگی بین خداوند و مؤمنان پرده برمی‌دارد که در آن مؤمنان جان و مال خویش را به‌طور کامل در اختیار خداوند قرار داده است، در برابر بهشت برین را نصیب

خویش می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه / ۱۱۱).

نصیحت و خیرخواهی: نصیحت و خیرخواهی به معنای واقعی کلمه از اصول ادیان الهی است و همه پیامبران، بدان متصف بودند و با همه وجود تلاش می‌کردند مردم را به راه خیر و صلاح، رهنمون شوند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نداشتند. حضرت نوح علیه‌السلام، ۹۵۰ سال آیین آسمانی خویش را تبلیغ کرد و به ویژگی نصیحت‌گری خویش اشاره کرد و فرمود: «ابْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحَ لَكُمْ وَاعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف / ۶۳). قرآن کریم حضرت هود و صالح و شعیب را نیز با این ویژگی توصیف کرده است. همچنین، امیرالمؤمنین علی (ع) نیز می‌فرماید: «النَّصِيحَةُ يُثْمِرُ الْمَحَبَّةَ»؛ محبت، ثمره خیرخواهی است (غررالحکم، ح ۶۱۴).

وفای به عهد: وفای به عهد یکی از اصول و پایه‌های بااهمیت اخلاقی است که هم در قرآن مجید و هم در روایات و سخنان پیشوایان دین بر آن تأکید شده است. قرآن کریم در آیه شریفه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۴)، پایبندی به عهد و پیمان را یک وظیفه شرعی دانسته است و در این زمینه بین اینکه مورد عهد چه باشد و شخصی که با او پیمان بسته می‌شود، چه کسی باشد، تفاوت نمی‌گذارد. بنابراین، هر عهد و پیمانی که بر خلاف احکام الهی بسته نشده باشد، عمل به آن واجب بوده و پیمان‌شکنی و نقض عهد گناه محسوب می‌شود و بر همین اساس خداوند متعال می‌فرماید قطعاً از پیمان سؤال می‌شود. یکی از مصادیق وفای به عهد امانتداری است که که مورد تأکید سیره نبوی و ائمه اطهار بوده و در جلب اعتماد مردم بسیار مؤثر است.

عدالت اجتماعی: ادراک بی‌عدالتی اثری مخرب بر روند توسعه دارد. زیرا اهتمام نیروی انسانی و انگیزش عناصر اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. بی‌عدالتی و توزیع نابرابر دستاوردهای اجتماعی موجب تعمیق شکاف طبقاتی، تضعیف عزم ملی و تنزل روحیه تلاش و فعالیت می‌شود و بر آسیب‌های روان‌شناختی اعضای جامعه می‌افزاید (الوانی و پورعزت، ۱۳۸۲، ص ۱۷). روحیه تلاش و میل به موفقیت‌طلبی رابطه‌ای حساس با روند دریافت پاداش استحقاقی دارد. اگر افراد تصور کنند رابطه منطقی بین تلاش و پاداش وجود ندارد، یا افراد کم‌تلاش‌تر

بهره‌ای مانند افراد پرتلاش کسب می‌کند، احتمال طفره‌رفتن اجتماعی^۱ افزایش می‌یابد (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲-۲۷۰). ایجاد زیرساخت‌ها برای رعایت عدالت اجتماعی و رعایت عدالت از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی در قبال جامعه است. آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از ادراک بی‌عدالتی، خسارت‌های غیر قابل جبرانی را بر جامعه تحمیل می‌کند. برای مثال بروز تعارضات خصمانه، افزایش شکایات و پرونده‌های قضایی، کاهش امید به آینده، افزایش عدم اطمینان و کاهش سطح اعتماد عمومی از پیامدهای شیوع بی‌عدالتی است (Greenberg, 2000). در حالی که امیرالمؤمنین علی (ع) یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران و کارگزاران دولت اسلامی را مردم‌دوستی، خدمت به مردم و جلب اعتماد عمومی می‌داند. امام (ع) در نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد: «وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ، وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ اَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ، وَ الْاِشَارَةَ وَ التَّحِيَّةَ، حَتَّى لَا يَطْمَعِ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ، وَ لَا يَتَأَسَّ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ...» پر و بال را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم و در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند. امیرالمؤمنین (ع) حتی در تقسیم نگاه و اشاره نیز عدالت را به مدیران حکومتی توصیه می‌کند.

نهاد قضایی و نظارتی: تأمین امنیت قراردادهای اقتصادی و تجاری، برخورد با متخلفان و قضاوت صحیح و عادلانه در جایگاه مورد نیاز، از عناصری است که اعتماد جامعه به حکومت و اعتماد در بین افراد جامعه را افزایش خواهد داد. وقتی جامعه مطمئن باشد که نهادهای نظارتی با قدرت و عدالت به وظایف خود عمل می‌کند، اعتماد بیشتری بین افراد آن جامعه درک می‌شود و در نهایت، به کاهش جرم و پرونده‌های قضایی نیز کمک خواهد کرد. اما شرط لازم یک نهاد قضایی کارآمد نیروی انسانی و قاضی عادل است. موضوعی که در کلام امیرالمؤمنین (ع) تأکید شده است. البته چنین افرادی اندک شمرده شده‌اند. حضرت در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در بیان

1. Social Loafing

ویژگی‌های قضات می‌فرماید: «ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ، مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورَ، وَلَا تُمَجِّكُهُ الْخُصُومُ، وَلَا يَتِمَادِي فِي الزَّلْغَةِ... لَا يَزِدْهُ إِطْرَاءٌ، وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ، وَأَوْلِيكَ قَلِيلٌ» وظیفه اصلی حکومت در این موضوع انتخاب، پرورش و حفظ چنین افرادی است تا با ساختن یک مجموعه نظارتی سالم، به برآوردن اعتماد لازم در جامعه منجر شود.

مؤلفه‌های سلبی

ترک تهمت و غیبت: حضرت امام صادق (ع) می‌فرمود: «غیبت آن است که درباره برادرت بگویی چیزی را که خدا بر او پوشانده است و اما چیزی را که در وجود او آشکار و ظاهر است مثل تندخویی و شتابزدگی، (گفتن آن) غیبت نیست و بهتان آن است که درباره اش بگویی چیزی که در او نیست» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۸). در قرآن کریم غیبت کردن مانند خوردن گوشت برادر دینی دانسته شده است: «... وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ..» (حجرات / ۲۵). بدگویی پشت سر برادر مسلمان به بی‌اعتمادی منجر خواهد شد.

ترک بخل و حسادت و استهزاء: مشتقات بخل در قرآن کریم ۱۲ بار به کار گرفته شده است ولی در آیات دیگری نیز واژه‌ها و تعبیراتی مانند شُحّ (حشر / ۹)، امساک (اسراء / ۱۰۰)، بسته‌بودن دست به گردن (اسراء / ۲۹) و منع خیر (ق / ۲۵) به کار گرفته شده است و به موضوع بخل اشاره کرده است، یا با آن ارتباط دارد. در روایات نیز از بخل نکوهش شدیدی شده است. قرآن کریم بخیل را محروم درگاه الهی می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ». همچنین، حسد ناخشنودی از موفقیت کسی و زوال نعمت او را تمناکردن است.

حسد حد افراطی رفتار کسی است که از نیک‌بختی مردمان رنج می‌برد. در تعریفی، حسد، آرزوی نابودی نعمت‌های دیگران و خواستن آن نعمت‌ها فقط برای خود است. البته در بدی این خصیصه همین بس که بزرگترین دشمنان مسلمانان یعنی یهودیان متصف به این ویژگی‌اند (بقره / ۱۰۹).

درباره مؤلفه‌های سلبی و ایجابی اعتمادساز، می‌توان عناصر زیاد از اخلاق اسلامی را نام برد که هم در احادیث و هم در قرآن به آن‌ها اشاره شده است اما سعی شد به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شود.

بعد شناختی سرمایه اجتماعی اسلامی

سرمایه شناختی بازتابی از میزان تعهد و دفاع اعضای جامعه از هدف و رسالت خود است. مهم‌ترین جنبه‌های عنصر شناختی عبارت از اهداف مشترک، زبان و کدهای مشترک و حکایات، اسطوره‌ها و استعاره‌های مشترک یک جامعه است (هرندی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷).

وحدت حول مشترکات: بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت مهم‌ترین عناصری که بعد شناخت سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، آیات و روایاتی است که بر حفظ وحدت بر اساس مشترکات دینی تأکید می‌کنند. محور وحدت در دیدگاه قرآنی «توحید» و در مرتبه دیگر دین اسلام است. قرآن کریم، پیامبر را به سوی اهل کتاب می‌فرستد و از آنان برای پیوستن به شعار توحید و جدایی از غیر او دعوت می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ ای پیامبر به اهل کتاب بگو، بیایید بر اساس کلمه‌ای که بین ما و شما مشترک است، غیر از خدا را نپرستیم و یکدیگر را در برابر خداوند به عنوان رب و پروردگار نگیریم (وحدت کنیم)؛ پس اگر روی برگردانند بگویید، شاهد باشید که ما اهل تسلیم به حق هستیم (آل عمران / ۶۴). خداوند در آیه ۲۸۵ سوره بقره می‌فرماید: «...وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْكُمُ الْوَكُوفُ مِنْ رُسُلِهِ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»؛ یعنی و مؤمنان همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند و (گفتند) ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یک دل فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم. خدایا ما آمرزش تو را می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَأَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَ أَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (تحف العقول، ص ۳۴)؛ یعنی همانا پروردگار شما یکی است، پدر شما یکی است، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، عرب را بر عجم فضیلت نیست مگر به وسیله تقوا. تأکید بر مشترکات دینی در اسلام پایانی ندارد. قرآن کریم،

پیامبر واحد، عبادات دینی یکسان و ارزش‌ها و هنجارهای بسیاری که در بین اقوام مختلف وحدت‌بخش است و در همه مؤلفه‌های دینداری از قبیل اعتقادی، مناسکی و پیامدی یافت می‌شود؛ می‌تواند از بزرگترین عناصر ساخت سرمایه اجتماعی در بین اقوام مختلف از یک مذهب و حتی مذاهب مختلف اسلامی باشد.

بحث و نتیجه

نقش مذهب در پیشبرد امور اجتماعی و مدنی که توسط جامعه‌شناسان نخستین مانند وبر و دورکیم مورد تأکید بود، توسط جامعه‌شناسان اخیر کمرنگ جلوه داده شد. لیکن در دو دهه اخیر تحقیقات حاکی از تأثیر مهم و آشکار مذهب در پیشبرد امور مدنی است (Lichterman, 2012). فوکویاما معتقد است جامعه مدرن بدون پشتوانه مذهب، فرهنگ و سنت تاریخی از پایه فرو خواهد ریخت. او درباره موفقیت جوامع مدرن معتقد است تنها به این علت توفیق یافته‌اند که سرمایه اجتماعی انباشته شده در قرون متمادی را زنده نگه دارند (حکمت، ۱۳۸۳). از نظر وی دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند، می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزء به جزء مسیحیت یا آیین کنوفسیوس را دربرگیرد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹).

این مقاله به دنبال تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دینی با به‌کارگیری متن قرآن کریم و احادیث است و در این راه از اصول علمی استفاده می‌کند. بدیهی است کلیات اخلاق اسلامی و عمل به آن، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد ولی این مقاله جهت پرهیز از کلی‌گویی و تبیین راهکارهای عملی، سعی کرد پس از تجزیه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، آن‌ها را از طریق مؤلفه‌های علمی دینداری (نه مؤلفه‌های مفهومی دینی) که مصداقی هستند، به دین اسلام پیوند زند. ممکن است مواردی در اخلاق اسلامی، احادیث و آیاتی وجود داشته و محقق از آن‌ها غافل مانده باشد اما سعی شده است مهم‌ترین جنبه‌های دینداری در راستای موازین مشخص علمی ارائه شود.

نکته مهمی که در ابتدای پژوهش ذهن محقق را به خود مشغول کرده بود، این بود که چگونه تفاوت ماهوی بین مفهوم سرمایه اجتماعی در دین اسلام و تعریفی متداول را که اندیشمندان غربی

از آن بیان می‌کنند، مطرح کند. همچنین، به این تفاوت در طول تحقیق به‌طور نامحسوس اشاره شده است و به نظر محقق نکته برتر تحقیق است. اهمیت موضوع این است که مفهوم سرمایه اجتماعی در شکل فعلی خود توسط اندیشمندان غربی مطرح شده است و اشاره به وجود این مفهوم در اسلام بدون کلی‌گویی و ارزش‌گرایی، اهتمام محقق را می‌طلبد. از این جهت از ابتدا سعی شد در جریان استدلالی پژوهش نظر محققان غربی در همه مراحل مانند تعریف‌ها و رویکردهای سرمایه اجتماعی، تعریف‌های دینداری، منابع و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به‌کار گرفته شود. محقق سعی کرد با به‌کارگیری اصول علمی مورد اذعان محققان غربی نشان دهد که تأثیر دین اسلام در ایجاد بسترها و ملزومات سرمایه اجتماعی بسیار بیشتر از تأثیر سایر ادیان در سرمایه اجتماعی از نظر همان محققان است. این مهم با تجزیه دینداری از طریق اصول علمی انجام گرفت و نشان داده شد که در همه ارکان دین اسلام مفهوم سرمایه اجتماعی مورد اشاره قرار گرفته است. این نتیجه در وهله اول اهمیت و اعتبار مفهوم سرمایه اجتماعی در دین اسلام را نشان می‌دهد، اما با کمی تأمل می‌توان دریافت که نکته مهم‌تر، تفاوت ماهیت سرمایه اجتماعی در اسلامی و مدل‌های غربی آن است. حضور مفهوم سرمایه اجتماعی در بسیاری از مباحث اعتقادی، عبادی و سیاسی اسلام نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در این دین ابزاری برای رشد اقتصادی همان‌طور بانک جهانی از آن یاد می‌کند یا داشتن دوستان، همراهان و ارتباطات عمومی که به فرد فرصت می‌دهد از سرمایه مالی و انسانی خود استفاده کند (Alguezaui & Filieri, 2010)، نیست. مفهوم سرمایه اجتماعی خود یک هدف در دین اسلام است که تأثیر زیاد در مفهوم عدالت اجتماعی دارد و از آن نیز تأثیر زیادی می‌پذیرد. محقق تصور می‌کند ذکر اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی از راه اثبات حضور آن در همه ارکان فردی و اجتماعی دین اسلام، نشان از تفاوت نگاه دین اسلام به مفهومی است که در نظر محققان غربی تنها ابزاری برای رسیدن به توسعه است و این سیر نظریه‌پردازی توسعه بوده است که به مفهوم سرمایه اجتماعی منتهی شده است. در حالی که مفهوم سرمایه اجتماعی در دین اسلام یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های مسلمانان و دولت اسلامی در کسب رضایت خداوند و تقرب به درگاه الهی است.

نکته‌ای دیگر که تحقیق جاری را از سایر پژوهش‌های مشابه متفاوت می‌کند، تعیین رویکرد کلی اسلام به سرمایه اجتماعی است. این نکته مهم باعث شده است تلاش محقق برای رسیدن به مفهوم سرمایه اجتماعی تنها به تحصیل نکات اخلاقی و عبادی فردی دین منجر نشود. در نتیجه، هم عبادات جمعی تأکید شده است و هم نکاتی که دولت اسلامی در جهت تشکیل سرمایه اجتماعی باید مورد توجه قرار دهد، تبیین شد. بدین معنا که وجود دولت اسلامی به عنوان بستر و ضامن اجرای عبادات جمعی و هم به عنوان نهاد عامل و قدرتمند در اعتماد بین سطوح مختلف جامعه، می‌تواند در ایجاد سرمایه اجتماعی نقشی مهم داشته باشد.

پوشیده نیست رابطه معنوی و غیرمادی با قدرتی لایزال و اعتقاد به اهمیت مردم در این رابطه، ناخودآگاه افزایش سرمایه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. معیارهای غیرمادی رابطه معنوی با درگاه احادیث، سازنده بهترین و باکیفیت‌ترین ارتباطات عاطفی و انسانی در بین مردم است. امری که امروزه دنیای غرب نیز بدان اعتراف کرده است و به نظر می‌رسد که بار دیگر نیاز به بازگشت بدان در دنیای غرب در حال اوج گرفتن است. این وظیفه نخبگان کشور است که در شلوغی مدرنیته و تلاش برای توسعه اقتصادی و سیاسی، اصول متقن و غیرقابل خدشه دینی برگرفته از آیات الهی و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را فراموش نکنند و به عنوان محکومات مجرب و استوار به کار گیرند و هرگونه ناهمگونی را در ابتدا با آن‌ها مقایسه و کاهش زاویه با این دستورات الهی را در دستور کار قرار دهند.

منابع و مأخذ

قرآن مجید

نهج البلاغه

۱. افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۱). بررسی چگونگی تساهل سیاسی در شکل‌های دانشجویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. ایوانز، تی دیوید (۱۳۸۰). «بررسی مجدد رابطه دین و جرم». روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۲۳، صفحات ۱۷۸-۱۴۲.
۳. باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت؛ بررسی ویژگی‌های ساختی و تعاملی و کارکردهای شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران». نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صفحات ۹۵-۶۳.
۴. باستانی، سوسن؛ کمالی، افسانه؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و روابط متقابل شخصی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صفحات ۸۰-۴۱.
۵. بهروان، حسین؛ بهروان، ندا (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا (ع)». فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره سوم، صفحات ۱۴۹-۱۱۵.
۶. پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۹۳). «ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی». راهبرد فرهنگ، دوره دوم، شماره ۲۵، صفحات ۱۰۴-۷۱.
۷. حسن‌زاده ثمرین، تورج؛ سیدمحمد، مقیمی (۱۳۸۹). «اثر سرمایه اجتماعی بر تعالی سازمانی». فصل‌نامه مطالعات مدیریت راهبردی، سال اول، شماره سوم، صفحات ۱۴۳-۱۲۳.
۸. حکمت، ناهید (۱۳۹۲). «درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پیر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی». فصل‌نامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره چهارم، شماره اول، صفحات ۱۷۸-۱۵۵.
۹. رستگار خالد، امیر؛ کاوه، مهدی؛ محمدی، مهدی (۱۳۹۳). «سرمایه اجتماعی و بیگانگی از کار

- (مطالعه موردی معلمان آموزش و پرورش مقطع ابتدایی شهر تهران)». دوره ششم، شماره ۱۹، صفحات ۲۵۱-۲۰۳.
۱۰. زمردیان، غلامرضا؛ رستمی، علی (۱۳۸۹). «استقرار نظام مدیریت دانش مبتنی بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸)». *حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره پنجم، صفحات ۶۳-۴۵.
۱۱. سرلک، محمدعلی؛ اسلامی، طاهره (۱۳۹۰). «تسهیم دانش در دانشگاه صنعتی شریف: رویکرد سرمایه اجتماعی». *فصل نامه مدیریت دولتی*، سال سوم، شماره هشتم، صفحات ۱۸-۱.
۱۲. شجاعی زند، علی (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳۴، صفحات ۶۶-۳۴.
۱۳. ضیایی، محمدصادق؛ منوریان، عباس؛ کاظمی کفرانی، ابراهیم (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان آمادگی سازمانی برای استقرار مدیریت دانش (مطالعه شرکت فولادساز ایرانی)». *فصل نامه مدیریت دولتی*، سال سوم، شماره هشتم، صفحات ۱۹۸-۱۷۹.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). *تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. عابدی، منیره؛ نوروزی، رضاعلی؛ بختیاری نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۹۰). «تربیت اجتماعی از دیدگاه فردگرایان و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی». *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ۱۹، دوره جدید، صفحات ۶۳-۳۹.
۱۶. عباس‌زاده، محمد؛ نورآذر، مهرناز؛ محمدپور، نیر (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی مفهوم سرمایه اجتماعی در سوره بقره». *مطالعات قدرت نرم*، سال اول، شماره چهارم، صفحات ۲۴-۷.
۱۷. عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود و دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». *فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، صفحات ۲۳۴-۱۹۵.

۱۸. فاضلی، محمد؛ اشتیاقی، معصومه (۱۳۹۱). وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران. تهران، مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۹. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۰. فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران، انتشارات کویر.
۲۱. کامران، فریدون؛ ارشادی، خدیجه (۱۳۸۷). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان». فصلنامه پژوهش رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، صفحات ۵۶-۲۹.
۲۲. کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸). «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی». فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۱۷، صفحات ۱۴۱-۱۲۴.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن صبوری، تهران، نشر نی.
۲۴. محسنی تبریزی، علیرضا؛ آقامحسنی، مریم (۱۳۸۹). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری، موردپژوهی: شهر محلات». مدیریت شهری، دوره هشتم، شماره ۲۵، صفحات ۱۶۲-۱۴۷.
۲۵. محمدپور زرنندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن؛ کریمی، سمانه (۱۳۹۲). مدیریت منابع انسانی در شهرداری‌ها، تهران، انتشارات کوهسار.
۲۶. نوغانی، محسن؛ اضغرپور ماسوله، احمدرضا؛ صفا، شیما؛ کرمانی، مهدی (۱۳۸۷). «کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره پنجم، شماره اول، صفحات ۱۴۰-۱۱۱.
۲۷. الوانی، سیدمهدی؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲). «عدالت اجتماعی شالوده توسعه پایدار». کمال مدیریت، شماره‌های دوم و سوم، صفحات ۲۸-۱۷.
۲۸. وولکاک، مایکل؛ نارایان، دیبا (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه»

- پژوهش و سیاست». مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
۲۹. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۳۰. هرندی، عطاالله (۱۳۹۳). «تبیین نقش سرمایه اجتماعی و انتقال دانش در یادگیری سازمانی شرکت‌های دانش بنیان». *فصل‌نامه مدیریت توسعه فناوری*، سال اول، شماره چهارم، صفحات ۱۸۲-۱۶۱.

31. Akçomak, S. (2011). "Social Capital of Social Capital Researchers". *Review of Economics and Institutions*, 2(2), 1-27.
32. Alguezaui, Salma; Filieri, Raffaele (2010). "Investigating the role of social capital in innovation: sparse versus dense network". *Journal of Knowledge Management*, 14(6), 891-909.
33. Anderiani, L. (2013). *Social Capital: A Road Map of Theoretical Frameworks and Empirical Limitations*, Department of Management – Birkbeck College University of London.
34. Candland, Christophen (2000). *Religion and Community in Southern Asia*, Kluwer Academic Publishers, 33, 355-374.
35. Chen, Jiun-Shiu; Lovvorn, Al. S. (2011). "The speed of knowledge transfer within multinational enterprises: the role of social capital". *International Journal of Commerce and Management*, 21(1), 46-62.
36. Illingworth, Patricia (2012). *Ethics and social capital for global well-being*, Springer, published online, 12 May 2012, DOI 10.1007/s12232-012-0160-2.
37. Jansen, Rob J. G.; Curseu, Petru L.; Vermeulen, Patrick A. M.; Geurts, Jac L. A.; Gibcus, Petra (2013). "Information processing and strategic decision-making in small and medium-sized enterprises: The role of human and social capital in attaining decision effectiveness". *International Small Business Journal*, 31(2), 192-216.
38. Jonker, Jan; Eskildsen, Jacob (2009). *Management Models for the Future*. Springer. Verlag Berlin Heidelberg.
39. Marques, A. I.; Rosa, M. J.; Soares, P.; Santos, R.; Mota, J.; Carvalho, J. (2011). "Evaluation of physical activity programmes for elderly people - a descriptive study using the EFQM criteria". *BMC Public Health*, 11(123), 1-16.
40. Putnam, R. (2000). *Bowling ALONE: The collapse and Revival of American community*. New York, Simon Schuster.
41. Trevorhides, M. (2006). "Implementation Organizational Excellence Models Self-assessment in the UK Higher Education Sector-lessons Learned from Other Sectors". *TQM magazine*, 16(3), 194-201.

42. Turkina, Ekaterina; Thi, Mai; Thai, Thanh (2013). "Social capital, networks, trust and immigrant entrepreneurship: a cross-country analysis". *Journal of Enterprising Communities*, 7(2), 108-124.
43. Wald, K. D. (2003). *Religion and Politics in the United State*. Landan, MD, Rowman & Littlefield.
44. Wickramasinghe, Vathsala; Weliwitigoda, Purnima (2011). "Benefits gained from dimensions of social capital: a study of software developers in Sri Lanka". *Information Technology & People*, 24(4), 393-413.
45. Yeung, Anne Birgitta (2004). "An Intricate Triangle: Religiosity, Volunteering, and Social Capital: The European Perspective, the Case of Finland". *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 33(3), 401-422.